

# مخاطب را فراموش نکنیم

سیزدهمین همایش بین‌المللی فناوری آموزشی امسال از تاریخ ۲۳ تا ۲۵ اردیبهشت ماه در شهر کوالالامپور مالزی برگزار شد. محل برگزاری این همایش سال گذشته کشور تایوان و در سال‌های قبل از آن عمدتاً سخنرانان از پاورپوینت برای ارائه مطالب استفاده می‌کردند. برای من که به‌عنوان ارائه‌دهنده مقاله و مدیر یکی از نشست‌های همایش شرکت کرده بودم، نکتهٔ درخور توجه چگونگی بهره‌گیری سخنرانان از پاورپوینت و میزان برقراری ارتباط با حضار بود. در افتتاحیهٔ همایش همهٔ سخنرانان اهل کشور ترکیه، مطالب خود را از روی کاغذ می‌خواندند و عین مطالب را هم‌زمان روی اسلایدهای پاورپوینت نمایش می‌دادند. این رویه در جریان سخنرانی‌ها هم دیده می‌شد.

با توجه به شیوه‌های مختلف ارائهٔ مطالب در این همایش، می‌توانیم بگوییم که در استفاده از پاورپوینت سه روش وجود داشت: روش نخست که بیشتر هم معمول بود، تطابق کامل سخنان سخنران و مطالب اسلاید بود. سخنرانانی که به مطالب خود مسلط نبودند یا در ارائهٔ آن‌ها به زبان انگلیسی مشکل داشتند، از این روش استفاده می‌کردند. روش یاد شده برای من به‌عنوان شنونده بسیار ملال‌آور بود. در عین حال، چون خودم مطالب را می‌خواندم، گاه سخنان سخنران محل تمرکز بر متن می‌شد. دلیلی هم نمی‌دیدم که به صحبت‌های سخنران گوش دهم؛ چون عین آن صحبت‌ها را در متن می‌دیدم.

گروه دوم سخنرانان - که البته شمارشان بسیار اندک بود، سخنرانانی بودند که بین اسلایدهایشان و مطالبی که می‌گفتند، اصلاً ارتباطی وجود نداشت و لذا شنونده دچار تفرقهٔ حواس می‌شد. چون او یا باید متن را می‌خواند یا به حرف‌های سخنران گوش می‌داد که سخنانش ارتباطی هم با مطالب اسلایدها نداشت. گویی این سخنرانان به تبع رسم روزگار، که همه از پاورپوینت استفاده می‌کنند، این ابزار را به کار می‌گرفتند و چندان به آن معتقد نبودند.

اما دستهٔ سوم کسانی بودند که در اسلایدهایشان فقط عناوین کوتاه مطالب خود را نوشته بودند. طرح کلی مطالب این سخنران‌ها مشخص بود و شنونده فقط باید به آن‌ها گوش می‌داد و حواسش را جمع می‌کرد. در این نوع ارائه، بین شنونده و ارائه‌کننده رابطهٔ خوبی برقرار می‌شد. در واقع، این روش ارائه مطلب نشان می‌داد که پاورپوینت ابزار کمک‌آموزشی

مفیدی است. به نظر می‌رسد که در روش اول ارائه، معلم یا سخنران بر محتوای ارائهٔ خود و استفاده از ابزار متمرکز می‌شود و گوهر آموزش، یعنی پیوند میان معلم و شاگرد، گوینده و مخاطب، از یاد می‌رود. به اعتقاد بعضی، این همان اثر ناگزیر پاورپوینت است که فرهنگ آموزش را از «گفت‌وگو» به «ارائه»<sup>۱</sup> یا سخنرانی بدل می‌کند. به تعبیر دیگر، فرایند ارتباط سخنران و شنونده، یا معلم و شاگرد از «آموزش به فرد»<sup>۲</sup> به «آموزش محتوا»<sup>۳</sup> بدل می‌شود. معلم به جای تأکید بر ارتباط با شاگرد و شنونده، بر مطالب خود تمرکز دارد و به این فکر نمی‌کند که این محتوا برای مخاطبی تهیه شده است که اگر با او ارتباط برقرار نشود، محتوا بی‌فایده خواهد بود.

دستهٔ دوم معلمان یا سخنرانان نیز روش معمولشان سخنرانی است. به نظر من این ارتباط اگرچه مشکلات خودش را دارد، در مقایسه با الگوی اول به مراتب بهتر است. البته این روش هم نوعی دوگانگی ذهنی و تفرقهٔ حواس برای مخاطب و شاگرد ایجاد می‌کند و او در میانهٔ حرف‌های معلم و متون اسلایدها دچار آشفتگی ذهنی می‌شود. اما الگوی سوم به اعتقاد من بهترین شکل استفاده از پاورپوینت است. زیرا لزومی ندارد که کلاس را از ابتدا تا انتها با پاورپوینت هدایت کنیم. برای نمایش طرح کلی درس و برانگیختن شنوندگان استفاده از پاورپوینت‌هایی که فقط با متن پر نشده باشند و در آن‌ها از تصویر، فیلم، پویانمایی، گرافیک، متن و مانند این‌ها استفاده شده باشد، مناسب و مؤثر است.

اما فراموش نکنیم که قرار نیست محتوا بر صدر فرایند آموزش بنشیند. این محتوا قرار است به مخاطبی ارائه شود. لذا به جای پر کردن اسلایدهای خود از متن‌های طولانی و خسته‌کننده، بهتر است عناوین آن‌ها را بنویسیم و با استفاده از عناصر غیرمتنی، به هدف خود - که برقراری ارتباط بین معلم و شاگرد، و سخنران و مخاطب است - بیندیشیم. یادمان نرود که اصل محتوا نیست و اصالت با کسی است که قرار است شنوندهٔ ما باشد و گفت‌وگو با او گوهر آموزش است. او را فراموش نکنیم.

▲ پی‌نوشت

1. conversation
2. Presentation
3. Teach to
4. Teach what